



Identifying the Current Model of the sports talent identification process in students' physical education curriculum: A Case Study of Razavi Khorasan Province

Saeid Rahmati Kohkha	PhD Student in Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran
Hossein Momeni Mahmoudi *	Associate Professor of Curriculum Planning Studies, Department of Educational Sciences, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran
Hossein Soltani	Assistant Professor of Physical Education, Department of Physical Education and Sport Sciences, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran
Seyed Reza Attarzadeh Hosseini	Professor of Exercise Physiology; Faculty of Sport Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract

The main purpose of this research was to identify the Current Model of the sports talent identification process in students' physical education curriculum. This research was conducted using a qualitative approach and grounded theory method. The statistical population included experts and specialists in the field of student sports and its management in the education of Razavi Khorasan province, who were selected through a purposeful criterion-based sampling. The criteria for the selection of the participants was to have at least 5 years of experience in physical education management and participating in the process of identifying students' sports talent. The data were collected through semi-structured interviews with 20 participants until reaching theoretical saturation. In order to analyze the data, the open, central and selective coding method was used. Validity and reliability of data analysis was ensured by using Lincoln and Goba criteria. The results showed 40 core concepts and 16 selected categories, which in the form of grounded theory include the incompatibility of the physical education curriculum with environmental changes and the unfavorable process of finding students' sports talent as the central phenomenon, causal conditions (external organizational factors, internal organizational factors; individual factors), strategies (evaluation systems - career promotion; clarity of goals, missions and perspectives; teaching-learning methods), contextual conditions (cultural-social factors; legal requirements), facilitating intervening conditions (human resources; social demands; lifestyle changes), limiting intervening conditions (disruption of the education ecosystem; traditional belief and philosophy towards education) and consequences (personal, organizational and national consequences) was organized.

Key words: Physical Education Curriculum, students' Sports Talent identification Process, Grounded Theory.

* Corresponding Author: E-mail: Momenimahmouei@yahoo.com

How to Cite: Rahmati Kohkha S., Momeni Mahmoudi H., Soltani H., Attarzadeh Hosseini S. R. Identifying the Current Model of the sports talent identification process in students' physical education curriculum: A Case Study of Razavi Khorasan Province, Journal of Innovation in Sports Management, 2026; 4(4):157-174.



شناسایی وضعیت موجود فرآیند استعدادیابی ورزشی در برنامه درسی تربیت بدنی دانش‌آموزان (رویکرد داده بنیاد): مطالعه موردی استان خراسان رضوی

سعید رحمتی کهخا

دانشجو دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

حسین مومنی مهموئی*

دانشیار مطالعات برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

حسین سلطانی

استادیار تربیت بدنی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

سیدرضا عطارزاده حسینی

استاد گروه فیزیولوژی ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

با توجه به اهمیت فرایند استعدادیابی ورزشی در مدارس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی وضعیت موجود فرایند استعدادیابی ورزشی در برنامه درسی تربیت بدنی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش انجام گرفت. این پژوهش با کاربری رویکرد کیفی و استفاده از روش داده بنیاد اشتراوس و کوربین انجام شد. جامعه آماری شامل خبرگان و صاحب‌نظران حوزه ورزش دانش‌آموزی و مدیریت آن در آموزش و پرورش استان خراسان رضوی بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاک محور انتخاب شدند. ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان، داشتن حداقل ۵ سال تجربه آموزشی و مشارکت در فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان بوده است. داده‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع نظری، از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ نفر از مشارکت‌کنندگان گردآوری شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی بهره گرفته شد. در راستای تأمین روایی و پایایی از معیارهای لینکن و گوبا بهره گرفته شد. نتایج نشان‌دهنده ۴۰ مفهوم محوری و ۱۶ مقوله منتخب بود که در قالب نظریه داده‌بنیاد شامل ناسازگاری برنامه درسی تربیت بدنی با تحولات محیطی و فرایند نامطلوب استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان به عنوان پدیده محوری، شرایط علی (عوامل فرابخشی - برون سازمانی؛ عوامل بخشی - درون سازمانی؛ عوامل فردی)، راهبردها (نظام‌های ارزیابی - ترفیع شغلی؛ وضوح و روشنی اهداف، مأموریت‌ها و چشم‌اندازها؛ روش‌های یاددهی - یادگیری)، شرایط زمینه‌ای (عوامل فرهنگی - اجتماعی؛ بسترهای قانونی و حقوقی)، شرایط مداخله‌کننده تسهیل‌گر (منابع انسانی؛ مطالبات اجتماعی و فرابخشی؛ تغییر سبک زندگی)، شرایط مداخله‌گر محدودکننده (گسست اکوسیستم آموزش و پرورش؛ باور و فلسفه سنتی به آموزش و پرورش) و پیامد (پیامدهای شخصی، سازمانی و ملی) سازماندهی شد.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی تربیت بدنی، فرایند استعدادیابی ورزشی، نظریه داده‌بنیاد.

* نویسنده مسئول: E-mail: Momenimahmouei@yahoo.com

رحمتی کهخا سعید، مومنی مهموئی حسین، سلطانی حسین، عطارزاده حسینی سیدرضا، شناسایی وضعیت موجود فرایند استعدادیابی ورزشی در برنامه درسی تربیت بدنی دانش‌آموزان (رویکرد داده بنیاد): مطالعه موردی استان خراسان رضوی، فصلنامه نواوری در مدیریت ورزشی، زمستان ۱۴۰۴، ۴(۴): ۱۷۴-۱۵۷.

بیان مسأله

هزاره سوم شاهد رشد شتابان علوم و فناوری و تحولات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن است. این امر نظام‌های آموزشی جهان را با چالش‌های جدیدی مواجه ساخته است. تحولات علمی موجب جهش فوق‌العاده‌ای در فناوری، تجارت، اقتصاد و سایر جنبه‌های مهم زندگی بشر گردیده و پدیده انفجار دانش و مسأله نیم‌عمر اطلاعاتی ضرورت تغییر جوامع از حالت اتکاء به منابع اولیه و خام به سرمایه‌ها و منابع انسانی و دانش‌محوری به جای تولیدمحوری مطرح نموده است. متغیرهای بسیار فراروی بشر که هر لحظه بر پیچیدگی‌های رفتاری و عملکردی در انطباق و سازگاری با وضعیت موجود و تحولات آینده می‌افزاید؛ ایجاب می‌نماید که نظام‌های آموزشی، دانش‌آموزان خود را به شکلی تربیت کنند که نه تنها بتوانند خود را با تحولات شتابان جامعه بشری هماهنگ سازند؛ بلکه به دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی مجهز شوند که بتوانند به عنوان تولیدکنندگان دانش به‌روز و نو، پیش‌آهنگ در ایجاد رخدادهای جدید باشند (کاپلان^۱، ۲۰۲۳؛ تاملینسون^۲، ۲۰۲۳).

پرواضح است که در این میان آموزش و پرورش یکی از ارزشمندترین نهادهایی است که هر جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد و آموزش یکی از ارکان مهم تغییر و تحول اجتماعی محسوب می‌گردد. همراستا با اهمیت روزافزون آموزش و پرورش، کارکردهای آن در زمینه تربیت‌بدنی و رشد و توسعه سواد حرکتی و ورزشی دانش‌آموزان و در نهایت جامعه نیز اهمیتی روزافزون یافته است. صاحب‌نظران و پژوهشگران بسیاری بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که توسعه ورزش ابزاری مؤثر در راستای توسعه جوامع و صلح در فرهنگ‌های مختلف می‌باشد (هایوز و همکاران^۳، ۲۰۱۸). امروزه دانش تربیت‌بدنی و علوم ورزشی در نظام آموزش و پرورش جهان، از جایگاهی ارزشمند و بی‌بدیل برخوردار است و این درس، بخشی سازنده در برنامه‌های آموزشی و درسی مدارس تلقی می‌گردد و وسیله و روشی برای تأمین سلامتی، نشاط و

تربیت اجتماعی است (روزماتوویچ و شاهبوزجون^۴، ۲۰۲۳). از سویی دیگر، برنامه درسی^۵ به عنوان قلب آموزش (روسو و فریک^۶، ۲۰۲۳) و عناصر مختلف آن اعم از اهداف، محتوا، روش و غیره به عنوان اجزا و مؤلفه‌های اصلی برنامه درسی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند (تاملینسون، ۲۰۲۳؛ هریاکوموجیلو^۷، ۲۰۲۰). افزایش معنادار مطالعات و پژوهش‌ها در حوزه برنامه درسی و متغیرهای مرتبط با آن نیز، نشان از اهمیت فزاینده آن در گسترش افق‌های تعالی کنونی و آتی تعلیم و تربیت دارد. در برخی از تعاریف برنامه درسی به مجموعه فرصت‌های نظام‌مند و طرح‌ریزی شده (از سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تا مدرسه و کلاس درس با طیف مخاطبان بسیار گسترده و فراگیر تا بسیار محدود) و نتایج مترتب بر آنها اطلاق می‌شود که مترببان برای کسب شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت، در معرض آنها قرار می‌گیرند تا با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش، مرتبه قابل قبولی از آمادگی برای تحقق اهداف مختلف در همه ابعاد را به دست آورند (ربیعی فارس‌جانی، ۲۰۲۱).

همگام با رسوخ ورزش و تربیت بدنی در زندگی افراد و سهم ویژه‌ای که این مهم بر عهده دارد؛ فرایند کشف ورزشکاران مستعد برای شرکت در برنامه تمرینی سازماندهی شده، از مهم‌ترین موضوعاتی است که امروزه در ورزش مطرح است (هایوز و همکاران، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر می‌توان گفت که کشف و گزینش بااستعدادترین افراد و نظارت و کمک به آنها برای دستیابی به بالاترین سطح از مهارت، یکی از مباحث پرتکرار سالیان اخیر در ورزش و ورزش دانش‌آموزی بوده است (مرتضائیان و همکاران، ۲۰۲۱).

در حوزه تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی، به موازات تحولات محیطی و تغییر سبک زندگی، نیازهای نوینی در رابطه با کارکردهای آموزش و پرورش در جنبه‌های مختلف، مدنظر قرار گرفته است. از مهم‌ترین مطالبات و ترجیحات عمومی از آموزش و پرورش، هدایت فراگیران در مسیری است که با پیمودن آن نیازهای جامعه از یک سو

⁴ Ruzmatovich & Shohbozjon G'ayratjon

⁵ Curriculum

⁶ Rossouw & Frick

⁷ Herrera Comoglio

¹ Kaplan

² Tomlinson & Jarvis

³ Hayoz et al

و نیازهای فردی دانش‌آموزان از سوی دیگر برطرف شوند. نظام تعلیم و تربیت رسمی موظف است ضمن پذیرش تفاوت‌های فردی، به کشف و هدایت استعدادهای متنوع فطری و پاسخگویی به نیازها، علاقه‌ها و رغبت‌های دانش‌آموزان بپردازد. همچنان‌که به زعم صاحب‌نظران، هرگونه برنامه آموزشی باید مبتنی بر فرایند استعدادیابی و آگاهی از تمامی استعدادها و انرژی‌های نهفته درونی آنها باشد (بوکاندر و بیلوند^۱، ۲۰۲۰) و تا زمانی که هر یک از ابعاد و ویژگی‌های فردی انسان به طور شایسته شناسایی نشود؛ شکوفایی استعدادها و پرورش آینده‌سازانی کارآمدتر، میسر نخواهد بود.

پلتولا^۲ استعدادیابی را فرایندی می‌داند که طی آن خردسالان بر اساس معیارهایی که توسط آزمون‌های جامعه بدست می‌آیند به سمت ورزش‌هایی با بیشترین احتمال موفقیت را در آنها دارند؛ هدایت می‌شوند (کشاورز و همکاران، ۲۰۲۱). استعدادیابی ورزشی به معنای شناسایی و کشف آن دسته از قابلیت‌های بالقوه افراد است که قابلیت پروراندن داشته باشند. استعدادیابی بهینه^۳ در ورزش باید الگویی کارآمد و همه‌جانبه ارائه دهد و تمام جزئیات که در نتیجه نهایی دخیل هستند را به درستی لحاظ کند. از آنجا که لازمه موفقیت پایدار در میداین بین‌المللی ورزش، توجه ویژه به امر پشتوانه‌سازی و پرورش ورزشکاران مستعد است (مندس و همکاران^۴، ۲۰۲۲).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اگر ورزش دانش‌آموزی و فرایند استعدادیابی ورزشی، به طور جدی توسعه یابد؛ می‌تواند توسعه ورزش کشور را در سطح جامعه تحت تأثیر قرار دهد (قناعت و همکاران، ۲۰۲۳). در برنامه‌های دولت در بخش سیاست‌های اجرایی بر توجه به ورزش‌های پایه، به‌ویژه در سطح مدارس تأکید شده است و بر اساس ماده ۱۱۷ و بند الف آن وزارت آموزش و پرورش موظف است برنامه جامع ارتقا ورزش در مدارس، توسعه اماکن و فضاهای ورزشی سرپوشیده و روباز، افزایش ساعات درس تربیت‌بدنی، ایجاد باشگاه‌های ورزشی و تربیت نیروی

انسانی موردنیاز بخش تربیت‌بدنی را انجام دهند. مطمئناً پیامد اقدام عملی در راستای تحقق این مواد و بندهای قانونی، ارتقای ظرفیت‌های ورزش دانش‌آموزی و به خصوص برنامه‌های استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان خواهد بود. از نگاهی دیگر، پشتوانه‌سازی، شناسایی و پرورش استعدادهای ورزشی دانش‌آموزان، می‌تواند پاسخی مقتضی به رقابت‌های روزافزون کنونی باشد. می‌توان گفت به این دلیل که سن کشف استعداد و قهرمانی بسیار محدود است و اگر رویکرد بهینه‌ای در زمینه کشف استعدادها صورت نپذیرد، فرصت‌های طلایی شناسایی و پرورش استعدادها از بین می‌رود؛ پرداختن به این مقوله یکی از دغدغه‌های مداوم دست‌اندرکاران، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مجریان این حوزه می‌باشد. نظام آموزش و پرورش با برخورداری از طیف گسترده‌ای از دانش‌آموزان که در بهترین بازه سنی و زمانی به منظور کشف و پرورش استعدادهای ورزشی قرار دارند؛ از اهمیت ویژه‌ای در فرایند استعدادیابی ورزشی قرار دارند. آموزش و پرورش به جهت برخورداری از موقعیت‌های ممتاز و فرصت‌های پرشماری اعم از اعتبار عمومی، ظرفیت‌های انسانی، ارتباط مستمر با دانش‌آموزان در سنین مطلوب استعدادیابی و پرورش استعدادها، که از آن برخوردار است؛ می‌تواند به گونه‌ای بسیار اثربخش‌تر و کارآمدتر بحث استعدادیابی ورزشی را پیگیری نماید. با توجه به مطالبی که بیان شد هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی الگوی وضعیت موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش استان خراسان رضوی می‌باشد.

روش پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی وضعیت موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش استان خراسان رضوی بوده است. به منظور دستیابی به این هدف، رویکرد کیفی با کاربست مدل پارادایمی داده‌بنیاد مدنظر قرار گرفته است. در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک اشتروس و کوربین برای نظریه داده بنیاد استفاده شده است. در رویکرد سیستماتیک پژوهشگر می‌باید روش و فن مشخصی برای تحلیل در پیش بگیرد و کدگذاری

¹ Bokander & Bylund

² Plotola

³ Optimal talent identification

⁴ Mendes et al

قابلیت انتقال^۳، قابلیت اتکا^۴ و قابلیت تأیید^۵ را به منظور ارزیابی دقت علمی پژوهش مدنظر قرار داده‌اند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶). در زمینه‌ی قابلیت اعتبار، از روش کنترل اعضاء استفاده شد. در زمینه‌ی قابلیت انتقال، در متن مقاله ملاک انتخاب نمونه ذکر شد. در زمینه‌ی قابلیت اتکا (قابلیت اطمینان)، از روش توافق بین کدگذاران استفاده شد و در زمینه‌ی قابلیت تأیید مرور و بازخورد هم‌تایان بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

به منظور دستیابی به هدف پژوهش حاضر، رویکرد نظریه داده‌بنیاد مدنظر قرار گرفت. در این راستا با خبرگان و صاحب‌نظران حوزه ورزش دانش‌آموزی و مدیریت آن، که تجارب علمی و عملی ارزشمندی در رابطه با موضوع پژوهش حاضر داشتند، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. مشارکت‌کنندگان این پژوهش شامل ۲۰ نفر از مدیران، کارشناسان و معلمان تربیت‌بدنی در آموزش و پرورش استان خراسان رضوی بودند که به‌طور هدفمند و بر اساس معیار داشتن حداقل ۵ سال سابقه فعالیت آموزشی و مدیریتی انتخاب شدند. از میان آنها ۱۴ نفر (۷۰ درصد) مرد و ۶ نفر (۳۰ درصد) زن بودند. میانگین سابقه کاری آنان ۱۲ سال (دامنه ۵ تا ۲۵ سال) و میانگین سنی آنها ۴۱ سال بود. اغلب مشارکت‌کنندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری در رشته تربیت‌بدنی و مدیریت ورزشی بودند و تجربه مستقیم در فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان داشتند. پس از انجام هر مصاحبه، تحلیل چند باره آنها آغاز شد و سعی گردید که هر مصاحبه نقش هدایت‌گر در فرایند مصاحبه‌های بعد داشته باشد. در اثنای مصاحبه‌ها مفاهیم ظهور می‌یافتند و از مقایسه مفاهیم مقوله‌ها شکل گرفتند و ذهن پژوهشگران را به قضا و گزاره‌های مختلفی درباره برنامه درسی تربیت‌بدنی و جایگاه فرایند استعدادیابی ورزشی در آن، هدایت می‌کردند. مصاحبه‌های ضبط شده پس از پیاده‌سازی، به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و سپس بر اساس مشابهت‌ها، ارتباط مفهومی و

مرحله‌مندی (باز، محوری و انتخابی) را به اجرا درآورد و کار نهایی خود را در الگوی پارادایمی یکسانی ارائه کند (فراسخواه، ۲۰۱۷). مشارکت‌کنندگان این پژوهش مشتمل بر ۲۰ نفر از متخصصان و خبرگان در زمینه موضوع پژوهش بودند که به جهت حرفه‌ای، تجارب ارزشمندی در زمینه ورزش دانش‌آموزی و مدیریت این فرایند در سازمان و اداره کل و یا ادارات مناطق و نواحی استان خراسان رضوی داشته‌اند و حداقل دارای ۵ سال سابقه فعالیت آموزشی بوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که رویکرد انتخاب مشارکت‌کنندگان، هدفمند، از نوع ملاک‌محور، بوده است. انتخاب مشارکت‌کنندگان و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با آنها، تا رسیدن به مرحله اشباع نظری داده‌ها، ادامه یافت. طی این فرایند با ۲۰ نفر از مشارکت‌کنندگان مصاحبه نیمه ساختاریافته به عمل آمد. در ادامه نمودار اشباع نظری که در قسمت عمودی به تعداد کدهای جدید به دست آمده و در قسمت افقی کد مصاحبه شوندگان است، مورد توجه قرار گرفته است.



شکل ۱- نمودار اشباع نظری

جهت محرمانه ماندن مشارکت‌کنندگان در مراحل پژوهش و رعایت اخلاق پژوهشی به هرکدام از آنها یک کد اختصاص داده شد. فرایند تحلیل داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها نیز با توجه به اهمیت آن در رویکرد نظریه داده‌بنیاد، همزمان با جمع‌آوری داده‌ها طی سه مرحله: کدگذاری باز؛ کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد. برای تأمین روایی و پایایی از روش گوبا و لینکلن^۱ ۱۹۸۰ استفاده شد. آنها چهار معیار «قابلیت اعتبار^۲،

³ Transferability

⁴ Dependability

⁵ Conformability

¹ Guba & Lincoln

² Credibility

پدیده محوری

پدیده محوری، مضمون اصلی پژوهش است که اگرچه از درون پژوهش بیرون می‌آید اما یک مفهوم انتزاعی است (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر پدیده محوری الگوی پژوهش، ناسازگاری برنامه درسی تربیت بدنی با تحولات محیطی می‌باشد. در جدول ۱ موارد مذکور ارائه شده است.

ویژگی‌های مشترک کدهای باز، محوری و منتخب (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص شدند. برای این کار روش‌های تحلیل اشتروس و کوربین مدنظر قرار گرفتند. این الگو شامل ۷ محور می‌باشد که در ادامه به هر یک از آنها پرداخته خواهد شد.

جدول ۱- پدیده محوری الگوی وضعیت موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرآیند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کد باز)
ناسازگاری برنامه درسی با تحولات محیطی	فرایند نامطلوب استعدادیابی ورزشی	عدم تمرکز بر شناسایی استعداد ورزشی
		بی‌توجهی به استعدادپروری
		نبود استعدادداری (نگهداشت استعداد)
	عدم فرهنگ‌سازی ورزشی	برونداد ورزشی اندک آموزش و پرورش
		ترویج و توسعه فرهنگ حمایتی خانواده از ورزش دانش‌آموزی
		تدارک پروفایل استعدادی دانش‌آموزان و جریان مستمر پیگیری آن

فرایند نامطلوب استعدادیابی ورزشی

تحلیل مصاحبه‌های پژوهش و کدگذاری مفاهیم استخراج شده از آن، این نکته را آشکار ساخته است که فرایند کنونی استعدادیابی ورزشی در آموزش و پرورش خراسان رضوی از کیفیت مطلوبی برخوردار نبوده است و در مقایسه با کنش‌های فعالانه کشورهای توسعه‌یافته و پیشرو در این زمینه، فاصله زیادی وجود دارد. این عامل متشکل از سه مؤلفه عدم تمرکز بر شناسایی استعداد ورزشی، بی‌توجهی به استعدادپروری و نبود استعدادداری (نگهداشت استعداد) می‌باشد. به اعتقاد مشارکت‌کنندگان در حال حاضر آموزش و پرورش استان خراسان رضوی در هر سه این موارد نتوانسته است حداقل شاخص‌های مطلوبیت را برآورده سازد و به همین جهت بسیاری از استعدادهای ورزشی استان مغفول مانده و بالتبع درصد بالایی از آنها، از چرخه استعدادیابی خارج می‌شوند. در این راستا می‌توان به برخی از قسمت‌های مصاحبه مشارکت‌کنندگان که این موارد را مورد توجه قرار داده‌اند؛ اشاره داشت.

عدم فرهنگ‌سازی ورزشی

به نظر بسیاری از مشارکت‌کنندگان برنامه درسی تربیت بدنی کنونی آموزش و پرورش، نتوانسته است تحولات

فزاینده محیطی را در نظر بگیرد و همخوان با آن در یک فرایند متعادل، به جرح و تعدیل برنامه درسی دانش‌آموزان در رابطه با این درس همت گمارد. به باور مشارکت‌کنندگان یکی از مواردی که می‌باید همواره مدنظر تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان و مجریان برنامه و برنامه‌ریزی درسی درباره درس تربیت بدنی باشد؛ این است که این برنامه بتواند در نهایت در طی یک فرایند اثربخش و کارآمد، فرهنگ‌سازی ورزشی را تقویت نماید که متأسفانه در موقعیت کنونی این امر چندان مطلوب دنبال نشده است. این عامل ۳ مؤلفه جزئی دیگر با عناوین برونداد ورزشی اندک آموزش و پرورش، ترویج و توسعه فرهنگ حمایتی خانواده از ورزش دانش‌آموزی و تدارک پروفایل استعدادی دانش‌آموزان و جریان مستمر پیگیری آن را دربرمی‌گیرد. در ادامه می‌توان به گزاره‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان در این رابطه پرداخت.

"به نظر من در حال حاضر آموزش و پرورش چندان سهمی از استعدادهای ملی کشور ندارد؛ یعنی کمتر ورزشکار حرفه‌ای ملی و جهانی را در سطح کشور می‌توان یافت که معتقد باشد استعدادش در وهله نخست در آموزش و پرورش و با عاملیت مدرسه شناسایی شده است و مدرسه سهمی در تقویت این استعداد داشته است. این فرهنگ و باور که آموزش و پرورش نقشی در استعدادیابی

ندارد، نباید نهادینه شود" (مشارکت کننده ۴).

شرایط علی

شرایط علی در حقیقت علل موجهه پدیده اصلی در این پژوهش تلقی می‌شود. شرایط علی در الگوی پژوهش کنونی، خود شامل ۳ مقوله اصلی با عناوین: عوامل فرابخشی - برون سازمانی (تداوم توسعه ارتباطات

محیطی، تعمیق تعاملات بی‌نهادی، انسجام سیاسی، تناسب اعتبارات و استانداردهای سرانه‌ای)، عوامل بخشی - درون سازمانی (فرایندها و روش‌های اداری - اجرایی، تدوین محتوا، اثربخشی و کارایی برنامه‌های توسعه حرفه‌ای)، عوامل فردی (شایستگی‌های برنامه‌ریزان و مجریان، ویژگی‌های شخصیتی برنامه‌ریزان و مجریان) بوده است (جدول ۲).

جدول ۲- شرایط علی الگوی وضعیت موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرآیند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کد باز)
عوامل فرابخشی - برون سازمانی	تداوم توسعه ارتباطات محیطی	بازشناسی نیازهای محیطی
		بازخوردمحوری
		مسأله‌شناسی
	تعمیق تعاملات بین نهادی	خلق فرصت‌ها ارتباطی بین سازمانی
		تقویت مهارت‌های ارتباطی و تعاملی رسمی
		تقویت مهارت‌های ارتباطی و تعاملی غیررسمی
	انسجام سیاست و خط‌مشی‌گذاری	هم‌افزایی نهادی
		انسجام عمودی سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها
		انسجام افقی سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها
	تناسب اعتبارات و استانداردهای سرانه‌ای	همخوانی اهداف سازمانی و اعتبارات تخصیصی
		توجه به سرانه‌های کمی و کیفی ورزشی مدارس
		پایش مستمر استانداردهای ورزشی مدارس
عوامل بخشی - درون سازمانی	فرایندها و روش‌های اداری - اجرایی	آمایش و سازماندهی متناسب معلمان تربیت‌بدنی
		روشنی و وضوح قوانین اداری - اجرایی
		تدوین عقلایی قوانین
	تدوین محتوا	توسعه رسانه‌های ورزشی محلی با رویکرد مأموریت محور
		مبتنی بر نیازسنجی
		انطباق قانونی/برنامه‌ای/اسنادی و سیاسی
	اثربخشی و کارایی برنامه‌های توسعه حرفه‌ای	ارتقای شایستگی‌ها و صلاحیت‌های تخصصی دانش‌آموزان
		موفقیت‌گرا و متمرکز بر کاهش ترس و اضطراب
		انطباق با نیازهای حرفه‌ای
عوامل فردی	شایستگی‌های برنامه‌ریزان و مجریان	اجرای کارآمد
		روزآمدی دوره‌ها و محتوا
		عملی و کاربردی بودن آموزش‌ها
	ویژگی‌های شخصیتی برنامه‌ریزان و مجریان	مهارت‌ها و توانمندی‌های برنامه‌ریزان و مجریان
		نگرش‌ها و بینش‌ها برنامه‌ریزان و مجریان
		دانش برنامه‌ریزان و مجریان
		گروه‌محوری و مشارکت
		وظیفه‌شناسی و تعهد سازمانی
		انعطاف‌پذیری و سازگاری
		جامع‌نگری و نگاه سیستمی

عوامل فرابخشی - برون سازمانی

تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته گویای آن بوده است که مشارکت‌کنندگان در زمینه عوامل به وجود آورنده برنامه درسی کنونی تربیت‌بدنی در آموزش و پرورش و توجه آن به استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان، مواردی را مورد اشاره قرار داده‌اند که در سطحی بالاتر از سازمان آموزش و پرورش می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. به گواه آرا و نظرات مشارکت‌کنندگان در سال‌های اخیر که مقوله استعدادیابی ورزشی در سطح آموزش و پرورش به گفتمانی غالب در محافل حرفه‌ای و تخصصی مبدل گشته است؛ دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران این حوزه به خوبی دریافته‌اند که بسیاری از عوامل مؤثر بر کیفیت و مطلوبیت فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزی می‌باید از رهگذر نهادها و سازمان‌های بالادستی و فرابخشی، مطرح و بسترسازی گردد؛ از این رو در مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان که به لحاظ نظری و تجربی حائز اطلاعات ارزشمندی بودند؛ این موارد بارها و به تکرار مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در ادامه می‌توان مواردی از این اشارات را به عنوان نمونه ذکر نمود.

"تمامی سیستم اداری دولت باید ضمن بررسی مداوم محیط و نیازهای برآمده جدید که به اقتضای موقعیت دانشی و نگرشی لحظه‌ای بازتعریف می‌شود؛ سعی کنند پاسخ‌های مقتضی به این تحولات داشته باشند تا از پس این پاسخ‌ها، هارمونی کلی مجموعه‌های سازمانی در راستای توسعه کشور فراهم شود." (مشارکت‌کننده ۱۲).

عوامل بخشی - درون سازمانی

این دسته از عوامل به مؤلفه‌هایی اشاره دارد که در حیطه اختیارات سازمان آموزش و پرورش می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و ارتقای کیفیت برنامه درسی تربیت‌بدنی در راستای استعدادیابی دانش‌آموزان را در پی داشته باشد. به ادعان برخی از مشارکت‌کنندگان در حال حاضر بسیاری از مواردی که می‌باید از جانب آموزش و پرورش، آسیب‌شناسی شده و راهکارهای اثربخش به منظور بهبود وضعیت کنونی تصریح و اجرایی گردد؛ با نقصان جدی مواجه می‌باشد. در این راستا می‌توان بخش‌هایی از بیانات مشارکت‌کنندگان در طی فرایند مصاحبه را مورد اشاره قرار داد.

"محتوایی که برای درس تربیت‌بدنی تدوین می‌شود باید بتواند برخی از قابلیت‌های روانشناختی مانند غلبه بر ترس و استرس را در نظر بگیرد. برنامه درسی باید متمرکز بر موفقیت باشد و بتواند رهایی دانش‌آموزان از استرس‌های مرسوم درسی را تضمین کند." (مشارکت‌کننده ۷).

عوامل فردی

برخی از گزاره‌های مورد اشاره مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر طی فرایند تحلیل و کدگذاری، بر محور ویژگی‌های فردی و شخصی‌ای متمرکز بوده است که می‌توانسته ارتقادهنده کیفیت برنامه درسی تربیت‌بدنی در راستای استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان قلمداد گردد. این عامل خود دربرگیرنده دو مؤلفه دیگر با عناوین شایستگی‌های برنامه‌ریزان و مجریان و ویژگی‌های شخصیتی برنامه‌ریزان و مجریان بوده است. نظرات مشارکت‌کنندگان گویای آن بوده است که برخی از شایستگی‌های کانونی و ویژگی‌های شخصیتی در اجرای اثربخش برنامه‌های استعدادیابی ورزشی در آموزش و پرورش در قالب برنامه درسی تربیت بدنی مؤثر بوده‌اند و نمی‌توان آن را با سایر موارد اعم از سازمانی و فراسازمانی محقق ساخت و پوشش داد. در ادامه به برخی از گزاره‌های مستخرج از مصاحبه‌ها که این موارد را مورد توجه قرار داده‌اند؛ پرداخته خواهد شد.

"دست‌اندرکاران در فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان باید بتوانند با موقعیت‌های مختلف خود را سازگار کنند. تجربه من می‌گوید که در موقعیت‌های مختلف و در مواجهه با دانش‌آموزان و حتی محیط‌های مختلف، باید بتوانیم رویکردهای ارتباطی و آموزشی خودمان را تغییر بدهیم تا بتوانیم اثرگذار باشیم." (مشارکت‌کننده ۱).

شرایط راهبردی

شرایط راهبردی در پژوهش حاضر کنش یا واکنش‌هایی است که برای اداره، کنترل، برخورد و پاسخ به پدیده اصلی انجام می‌پذیرد. این بعد از الگوی برنامه درسی تربیت بدنی و فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش، شامل ۳ مقوله اصلی نظام‌های ارزیابی - ترفیع شغلی (نظارت و ارزیابی بهینه؛ شفافیت مسیر شغلی -

حرفه‌ای)؛ وضوح و روشنی اهداف، مأموریت‌ها و چشم‌اندازها (توسعه اهداف سازمانی؛ آینده‌نگری و پیش‌بینی)؛ روش‌های یاددهی - یادگیری (تجربه‌محوری؛

جدول ۳- شرایط راهبردی الگوی وضعیت موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرآیند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان

کد منتخب	کد محوری	کد باز
نظام‌های ارزیابی - ترفیعی شغلی	نظارت و ارزیابی بهینه	استانداردسازی فرایند ارزیابی
		ایجاد سازوکارهای بازخورد محور
		تقویت رویکردهای خودارزیابی
		کاربست رویکردهای نوین ارزشیابی
وضوح و روشنی اهداف، مأموریت‌ها و چشم‌اندازها	توسعه اهداف سازمانی	چشم‌انداز روشن شغلی
		شاخص‌محوری ترفیعی شغلی
		تأکید بر مأموریت استعدادیابی و استعدادپروری ورزشی دانش‌آموزان
		تصریح چشم‌انداز ورزش دانش‌آموزی
روش‌های یاددهی - یادگیری	آینده‌نگری و پیش‌بینی	همراستایی منطقی اهداف و مأموریت‌های سازمانی
		شناسایی اهداف روزآمد و آینده‌نگرانه
		پیش‌بینی نیازهای آموزشی
		تناسب ساختار و اهداف
توجه به رویکردهای یاددهی - یادگیری عملی	تجربه‌محوری	هم‌افزایی و هم‌کنشی اهداف و خط‌مشی‌ها
		بهبود و تقویت ظرفیت‌ها و فرصت‌ها
		توجه به رویکردهای یاددهی - یادگیری عملی
		خلق موقعیت به منظور بازخوانی تجارب
کاربست رویکردهای مشارکتی و اکتشافی	کاربست رویکردهای مشارکتی و اکتشافی	دادن اختیار عمل به دانش‌آموزان
		بهره‌گیری از رویکرد حل مسأله و اکتشافی
		کاربست رویکرد گروهی
		برگزاری رویدادهای ورزشی
		استفاده از بازی‌ها و سرگرمی

نظام‌های ارزیابی - ترفیعی شغلی

نظام‌های ارزیابی و ترفیعی شغلی همواره یکی از مباحث کیفیت‌افزایی کارکردی سازمان‌ها تلقی می‌شود. در پژوهش حاضر نیز بارها مشارکت‌کنندگان با بیان گزاره‌های مختلف این مسأله را مورد تأکید قرار داده‌اند که نظام‌های ارزیابی و ترفیعی شغلی در آموزش و پرورش می‌تواند راهبردی مؤثر در راستای تحقق بهینه فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در قالب برنامه درسی تربیت بدنی قلمداد شود. به گواه نظرات ایشان، رویکرد سازمان در قبال کارکنان در رابطه با اینکه چه محورها و چه نوع کنش‌های علمی - حرفه‌ای می‌تواند در ارزیابی و ارتقای درجه سازمانی پرسنل تأثیرگذار باشد؛ نوع خاصی از فعالیت‌ها و انگیزه‌ها را در جهت حرکت با سمت و سوی

استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان مؤثر باشد. در زیر برخی از مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها که به نوعی مؤلفه‌های این عامل را بیان داشته‌اند؛ ذکر شده است. "محورهایی که ارزیابی سازمانی بر آنها بنا شد است می‌توان بهترین هدایتگر عملکردی در هر سازمانی باشد. آموزش و پرورش هم می‌تواند با بها دادن و امتیاز دادن به فعالیت‌هایی که در راستای استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان باشد؛ کارکنان و کلیت مجموعه را سوق دهد در جهتی که همه احساس کنند می‌توانند با پرداختن به این نوع فعالیت‌ها؛ از مزایای مادی و معنوی آن هم بهره‌مند شوند." (مشارکت‌کننده ۱۶)

وضوح و روشنی اهداف، مأموریت‌ها و چشم‌اندازها

تحلیل‌های صورت گرفته و کدگذاری مفاهیم مصاحبه‌ها، نشان‌دهنده تکرار گزاره‌هایی است که گویای اهمیت وضوح و روشنی اهداف، مأموریت‌ها و چشم‌اندازهای سازمانی در ظهور کارآمد فرایند استعدادیابی ورزشی در مجموعه آموزش و پرورش خراسان رضوی بوده است. به نظر می‌رسد که اعتقاد مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر بر آن بوده است که یکی از راهبردهای الگوی داده‌بنیاد موضوع کنونی مبهم بودن و عدم شفافیت اهداف، مأموریت‌ها و چشم‌اندازهای سازمان آموزش و پرورش است؛ به گونه‌ای که در بسیاری از موارد همین اختلاف مانع توافق سازنده بین اعضا و دست‌اندرکاران مختلف این حوزه شده است و هدایت مجموعه کنش‌ها را در جهت ارتقای کیفیت و مطلوبیت فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در استان خراسان رضوی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در ادامه به قسمت‌هایی از بیانات مشارکت‌کنندگان که مؤلفه‌های این عامل را مدنظر قرار داده است و عیناً از مصاحبه‌ها مستخرج شده است؛ پرداخته شده است.

"فکر می‌کنم باید در اولین گام‌ها هم برای منابع انسانی سازمان و هم برای جامعه و ذی‌نفعان مشخص کنیم که مرز و محدوده مأموریت‌ها و رسالت‌های آموزش و پرورش تا کجاست. یعنی با برنامه‌های مختلف و فعالیت‌های رسانه‌ای این مسأله را مؤکد کنیم که پرورش ساحت جسمانی و در ادامه پرداختن به استعدادهای ورزشی و شناسایی و پرورش آن هم همراستا با سایر ساحت و دروس اهمیت دارد."

روش‌های یاددهی - یادگیری

طبیعتاً یکی از عناصر مهم برنامه درسی، روش‌ها و رویکردهای یاددهی - یادگیری است. دانش‌آموزان و فراگیران، محتوای مناسب را با کاربست رویکردها و

روش‌های متناسب، توسط معلمان و مدرسان فراخواهند گرفت. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر اعتقاد داشته‌اند که مادامی که روش‌های مناسب و سازگار با موقعیت و ویژگی‌های فراگیران اتخاذ نشود، برنامه‌های استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش خراسان رضوی نیز با کیفیت مطلوبی محقق نخواهد شد. به اذعان مشارکت‌کنندگان توجه به مؤلفه‌هایی مانند تجربه‌محوری و یادگیری عملی می‌تواند موفقیت بیشتر برنامه‌های استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان را در پی داشته باشد. می‌توان برخی از اشارات مشارکت‌کنندگان که این موارد را مورد توجه قرار داده‌اند به این شرح مدنظر قرار داد.

"هر برنامه‌ای اگر می‌خواهد موفق شود باید بتواند با اتخاذ بهترین و کاراترین روش‌ها با توجه به ظرفیت و وضعیت فراگیران، محتوای انتخاب شده را پوشش دهد. برنامه‌های استعدادیابی دانش‌آموزان هم باید بر مبنای همین مسأله برنامه‌ریزی شوند. در خیلی از مواقع روش‌های انتقال محتوا چندان با واقعیت‌ها محیطی و مطالبات و ترجیحات مخاطبان که دانش‌آموزان باشند همراه و هماهنگ نیست." (مشارکت‌کننده ۱۱).

عوامل مداخله‌گر (تسهیل‌کننده)

شرایط مداخله‌گر تسهیل‌کننده، شامل شرایط ساختاری هستند که موجب تسهیل راهبردها در زمینه خاص می‌شوند (اشتراس و کوربین، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر شرایط مداخله‌گر تسهیل‌کننده شامل ۲ مقوله اصلی منابع انسانی (تلقی نسبت به منابع انسانی، توسعه روانشناختی منابع انسانی)؛ مطالبات اجتماعی و فرابخشی (گسترش آگاهی عمومی، تأکیدات برنامه‌ای)؛ تغییر سبک زندگی (توسعه ورزش همگانی؛ تحول فرهنگی) بوده است (جدول ۴). در ادامه به هر یک از این مقوله‌ها و همچنین گزاره‌هایی از متن مصاحبه‌های انجام گرفته با مشارکت‌کنندگان، اشاره می‌شود.

جدول ۴- شرایط مداخله‌گر (تسهیل‌کننده) الگوی وضعیت موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان

کد منتخب	کد محوری	کد باز
منابع انسانی	تلقی نسبت به	نگاه سرمایه‌ای به منابع انسانی
	منابع انسانی	خلق مزیت رقابتی از رهگذر منابع انسانی
	توسعه	ارتقای روحیه تیمی و مشارکتی

افزایش تمرکز بر موفقیت	روانشناختی	
نگرش مثبت به ورزش و سواد حرکتی	منابع انسانی	
شناخت عمومی ماهیت دانشگاه	گسترش آگاهی عمومی	مطالبات اجتماعی و فرابخشی
آگاهی از ظرفیت‌های دانشگاه		
دغدغه‌مندی اجتماعی		
سیاست‌های فرابخشی	تأکیدات برنامه‌ای	
جریان مستمر بازخوردی در راستای پویایی برنامه‌ها و قوانین		
فرهنگ‌سازی ورزشی	تحول فرهنگی	تغییر سبک زندگی
توسعه گفت‌وگو ورزش و تربیت‌بدنی		
ترویج و توسعه فرهنگ حمایتی خانواده از ورزش دانش‌آموزی		
توجه به حس رقابت و برتری جویی ورزشی		
توجه رسانه‌ای به ورزش همگانی		
تدوین سیاست‌های مشوق	توسعه ورزش همگانی	
حمایت عملی کلان ساختاری از ورزش همگانی		

منابع انسانی

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر در موارد بسیاری بر این نکته صحنه گذاشته‌اند که کم و کیف منابع انسانی یکی از عناصر مهمی است که بر راهبردهای الگوی کنونی برنامه درسی تربیت بدنی در راستای استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش خراسان رضوی تأثیرگذار بوده است. می‌توان گفت جوامع توسعه یافته، به خوبی این نکته را دریافته‌اند که خلق مزیت رقابتی از رهگذر منابع انسانی ممکن می‌شود و برخورداری از بسیاری از منابع مادی دیگر نمی‌تواند کمبود این عنصر را برطرف نماید. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر نیز بارها در طی مصاحبه‌های این بر این مسأله تأکید ورزیده‌اند که آنچه در وضعیت کنونی آموزش و پرورش وجود دارد فقدان نگاه سرمایه‌ای و توسعه‌گرا نسبت به منابع انسانی این سازمان می‌باشد. در زیر به برخی از گزاره‌های مستخرج از مصاحبه‌ها که دربرگیرنده مؤلفه‌های این عامل می‌باشد، پرداخته شده است.

"در رقابت‌های فزاینده کنونی، تأکیدات از منابع مادی به منابع انسانی متمایل شده است. به نظر من اگر نگاه سرمایه‌ای که در دنیا غالب شده است در آموزش و پرورش هم اشاعه پیدا کند، طراحی و اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر نیاز و تحولات روز مانند پرداختن به استعدادیابی ورزشی، امکان‌پذیری بیشتری پیدا می‌کند." (مشارکت‌کننده ۱۰).

مطالبات اجتماعی و فرابخشی

یکی از عوامل مداخله‌گری که می‌تواند بر راهبردهای الگوی پژوهش مؤثر باشد، افزایش مطالبات اجتماعی و فرابخشی است. مشارکت‌کنندگان در فرایند مصاحبه‌های خود مفاهیمی را مورد توجه قرار داده‌اند که معتقد بوده‌اند می‌تواند به تحقق کیفیت برنامه‌های درسی تربیت‌بدنی در راستای استعدادیابی کارآمدتر ورزشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش خراسان رضوی کمک نماید. به باور مشارکت‌کنندگان اینکه در حال حاضر عموم مردم نسبت به کارایی و کیفیت آموزش و پرورش در وجوه مختلف آن مطالبه‌گر شده‌اند و از اثربخشی آموزش‌های مدرسه در جوامع دیگر آگاهی دارند.

تغییر سبک زندگی

به گواه تحلیل‌های صورت گرفته و کدگذاری مفاهیم و جمع‌بندی آنها، می‌توان گفت مشارکت‌کنندگان بر این موضوع توافق نظر داشته‌اند که همگام با تغییراتی که ر سبک زندگی جوامع روی داده است، انتظارات از آموزش و پرورش نیز تحول یافته است. اعتقاد بر این است که تحولات اخیر می‌تواند به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده در راستای راهبردهای الگوی پژوهش حاضر در نظر گرفته شود. به دیگر بیان به نظر می‌رسد که توجهات اخیر به موضوع ورزش قهرمانی و همگانی و شناسایی و پرورش استعدادها و ورزشی دانش‌آموزان و پرداختن رسانه‌ای به این مسأله، برآمده از رویکردها و نگاه‌های نوین به زندگی

است که در سال‌های اخیر شتاب بیشتری یافته است. در همین راستا گزاره‌هایی از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان مدنظر قرار گرفته است.

"اگر دقت کنید می‌بینید که در سال‌های اخیر در زمینه استعدادیابی ورزشی تحولات بزرگی رخ داده است؛ رسانه‌های بیشتر به آن واکنش نشان می‌دهند؛ در سطح جامعه بسیاری از خانواده‌ها به موازات برنامه‌های تحصیلی توجه خاصی به ورزش فرزندان‌شان نشان می‌دهند؛ که این امر یعنی الگوی سابق زندگی و زندگی تحصیلی دگرگون شده است." (مشارکت‌کننده ۹).

عوامل مداخله‌گر (محدودکننده)

با توجه به تحلیل‌های برآمده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مشارکت‌کنندگان پژوهش؛ دسته‌ای از عوامل وجود داشته است که می‌توانسته‌اند به عنوان یک چالش و مانع در راستای تحقق بهینه فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان تحت لوای برنامه درسی تربیت بدنی در نظر گرفته شود. این عوامل شامل گسست اکوسیستم آموزش و پرورش (ارتباط با ذی‌نفعان؛ پیوستگی عناصر استعدادیابی ورزشی)؛ باور و فلسفه سنتی به آموزش و پرورش (ابهام ماهیتی؛ آموزش نظری) بوده است (جدول ۵).

جدول ۵- شرایط مداخله‌گر (محدودکننده) الگوی وضعیت موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرآیند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان

کد منتخب	کد محوری	کد باز
گسست اکوسیستم آموزش و پرورش	پیوستگی عناصر استعدادیابی ورزشی	شناخت و نیازسنجی ذی‌نفعان
		برگزاری سمینارها و هم‌اندیشی‌های مرتبط
		تصریح وظایف نهادهای مرتبط
باور و فلسفه سنتی به آموزش و پرورش	ابهام ماهیتی	آسیب‌شناسی چرخه استعدادیابی
		ایستایی اهداف
	آموزش نظری	ناهمخوانی مأموریت‌ها با تحولات
		مغفول ماندن دروس عملی
		رقابت غیرسازنده علمی

گسست اکوسیستم آموزش و پرورش

برخی از مفاهیمی که مشارکت‌کنندگان در فرایند مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته خود به آن اشاره نموده‌اند، می‌توانند در طبقه‌ای با عنوان گسست اکوسیستم آموزش و پرورش مدنظر قرار داد. به معنای دقیق‌تر برخی از مشارکت‌کنندگان بر این باور بوده‌اند که عملکرد بهینه و کارای برنامه درسی تربیت‌بدنی در راستای استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش خراسان رضوی، به این بازمی‌گردد که آموزش و پرورش در وضعیتی مطلوب از پیوستگی با سایر نهادهای مرتبط در استعدادیابی قرار داشته باشد. برخی از بیانات مشارکت‌کنندگان که شامل مؤلفه‌های پائین عامل بوده‌اند در ادامه مطرح شده است.

"استعدادیابی به گونه‌ای مقطعی و با نقش‌آفرینی تنها آموزش و پرورش ممکن نیست. وقتی از استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان صحبت می‌شود باید بدانیم که این

موضوع یک فرایند با نقش‌آفرینان متعدد است که پیوستگی آنها و همکاری و هماهنگی آنها، اثربخشی مطلوب را در پی خواهد داشت." (مشارکت‌کننده ۱۳).

باور و فلسفه سنتی به آموزش و پرورش

دسته‌ای دیگر از مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر دلالت بر این نکته دارد که ماهیت وجودی آموزش و پرورش در نظر بسیاری از ذی‌نفعان درونی و بیرونی دچار ابهام می‌باشد. در سویی دیگر، آموزش و پرورش کنونی با مسائلی مواجه و درهم‌تنیده شده است که کارکرد مطلوب در بسیاری از ابعاد دیگر را دچار مانع نموده است. به عنوان نمونه مشارکت‌کنندگان اعتقاد داشته‌اند که رقابت‌های غیرسازنده از جنس آزمون‌های ارزشیابی و کنکور و ... اجازه نداده است که فرایند استعدادیابی ورزشی که در این موارد فاقد اثر می‌باشد؛ مهم انگاشته شود. در این راستا

می‌توان برخی دیگر گزاره‌های مفهومی مشارکت‌کنندگان را مورد تأکید قرار داد.

"آموزش و پرورش ما در سال‌های اخیر تمامی کنش‌هایش تحت‌الشعاع کنکور یا آزمون‌های مدارس خاص و نهایی و غیره قرار گرفته است. دانش‌آموزان از ابتدای دوره‌های تحصیلی مدام به دنبال کسب نمرات بالاتر در آزمون‌های علمی و عموماً حفظی و تستی هستند. همین رقابت غیرسازنده تأثیر منفی زیادی بر روی رویکردهای عملی مانند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان داشته است." (مشارکت‌کننده ۱۰).

شرایط زمینه‌ای

شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، زمینه نامیده می‌شوند (اشتراس و کوربین، ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر، شرایط زمینه‌ای الگوی موجود برنامه درسی تربیت بدنی در راستای استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در استان خراسان رضوی، شامل عوامل فرهنگی-اجتماعی و بسترهای قانونی-حقوقی می‌شود (جدول ۶).

جدول ۶- شرایط زمینه‌ای الگوی وضعیت موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرآیند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان

کد منتخب	کد محوری	کد باز
عوامل فرهنگی - اجتماعی	مدیریت و رهبری	شایسته‌سالاری
		مقاومت در برابر تغییر
		مدیریت علمی
	یادگیری سازمانی	تعادل پویا سازمانی
		چابکی سازمانی
		هوش سازمانی
بسترهای قانونی و حقوقی	همسویی راهبردی قوانین	کاستن از قوانین دست و پاگیر
		ضمانت اجرایی قوانین
		عدم تداخل قوانین
		عدم تعدد مراجع تصمیم‌گیر
	حمایت از سرمایه‌گذاری ورزشی	تدوین قوانین حامی
		تضمین امنیت سرمایه‌گذاری
		توسعه سیاست‌های انگیزه‌بخش

عوامل فرهنگی - اجتماعی

تحلیل مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان و کدگذاری مفاهیم شناسایی شده گویای آن بود که عوامل فرهنگی - اجتماعی دسته‌ای مهم از شرایط زمینه‌ای الگوی پژوهش حاضر بوده است. به باور مشارکت‌کنندگان مدیریت و رهبری و فرهنگ یادگیری سازمانی دو عامل مهمی هستند که می‌توانند بر راهبردهای الگوی پژوهش مؤثر باشند. مدیریت و رهبری در هر سازمانی یکی از ارکان تغییر و تحولات سازمانی است. بر این مبنا می‌توان اذعان داشت که مادامی که مدیریت و رهبری سازمان توانایی و میل خلق تحول در رویکردهای پیشین را دارا نباشد؛ نمی‌توان امید چندانی به موفقیت برنامه و طرح‌های استعدادیابی

ورزشی دانش‌آموزان بست. مشارکت‌کنندگان در مواردی چندی به مؤلفه‌هایی از این دست اشاره داشته‌اند. "مدیریت و رهبری آموزش و پرورش باید خواهان تغییر و تحول باشد و در مرحله بعد توانمندی‌های لازم در راستای این تغییر و تحول را هم داشته باشد." (مشارکت‌کننده ۱۴).

بسترهای قانونی و حقوقی

در اثنای تحلیل مصاحبه‌ها، مفاهیم پرشماری دیگری شناسایی شد که با راهبردهای الگوی پژوهش مرتبط بوده است. به گواه آرا و نظرات موجود، به منظور بسترهای حقوقی و قانونی مانند کاستن از قوانین دست و پاگیر و یا

ایجاد ضمانت اجرایی می‌تواند بر راهبردهای الگوی پژوهش حاضر مؤثر باشد. در همین راستا می‌توان به برخی از مصاحبه‌ها که این موارد را مورد تأکید قرار داده‌اند؛ اشاره داشت.

"یکی از مسائلی که همواره برنامه‌ها و اهداف آموزش و پرورش را متأثر کرده است، تعدد مراکز و نهادهای تصمیم‌گیر در آموزش و پرورش بوده؛ همین مسأله تداخلات زیادی در مسیر تدوین طرح‌ها و اجرایی کردن آنها ایجاد کرده است."

"متأسفانه بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌هایی که به منظور ارتقای فرایند استعدادیابی ورزشی مصوب شده‌اند، چه در حوزه ستادی آموزش و پرورش و چه در برنامه‌های بالادستی مانند سند تحول بنیادین و برنامه‌های توسعه ۵ ساله، چندان از ضمانت اجرایی برخوردار نیستند."

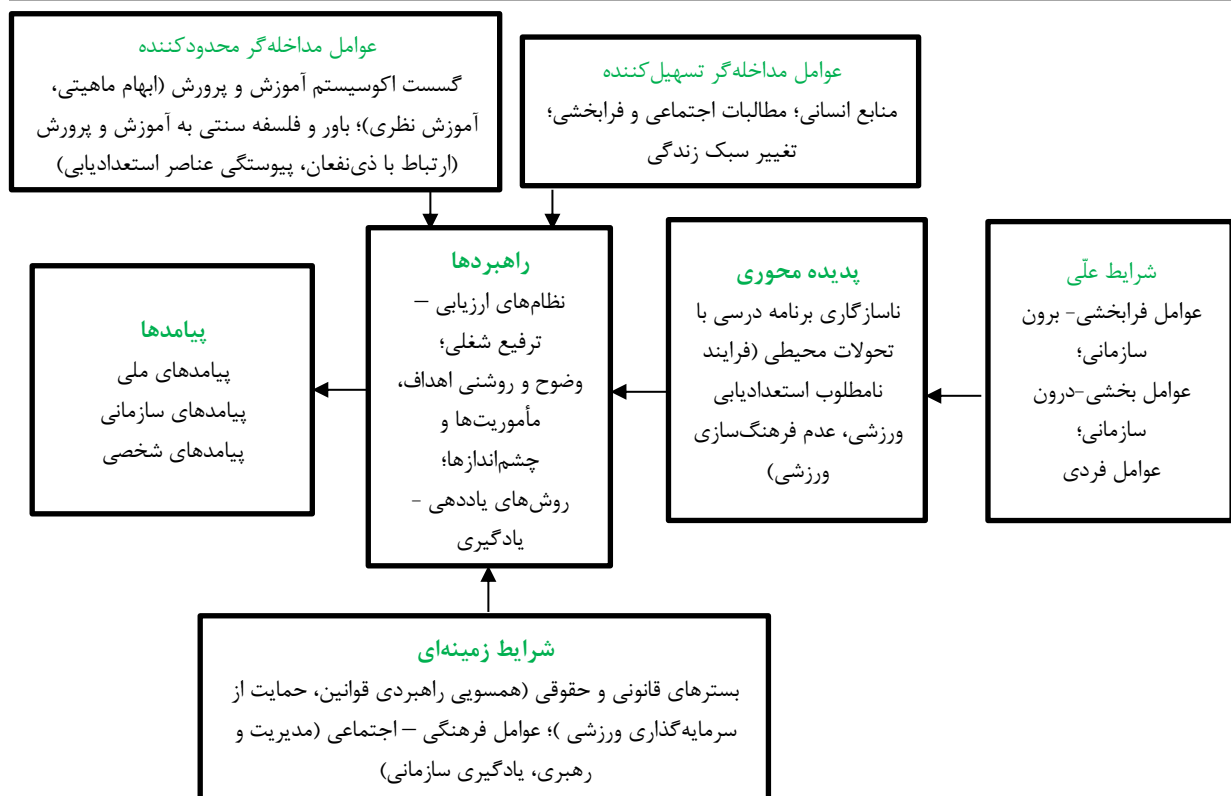
پیامدها

پیامدهای الگوی وضعیت موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش استان خراسان رضوی، در ۳ دسته پیامدهای فردی (کاهش رشد حرفه‌ای؛ عدم توسعه شایستگی‌های شغلی؛ عملکرد فردی - جزیره‌ای؛ سازمانی (تضعیف جایگاه اجتماعی آموزش و پرورش؛ ناتوانی در پاسخ‌گویی

عمومی؛ مغفول ماندن مأموریت‌های سازمانی) و ملی (کاهش توانمندی ملی در عرصه رقابت‌های جهانی؛ هدررفت استعدادهای ملی؛ عملکرد نامطلوب چرخه استعدادیابی) می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا باید اذعان داشت که الگوی فعلی برنامه درسی تربیت بدنی و فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش، موجبات بروز پیامدهایی شده است که کارایی و اثربخشی بلندمدت این نهاد را در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، دچار ابهام نموده است و از این جهت جامعه نتوانسته است از استعدادهای ورزشی خود در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در سطوح ملی و جهانی بهره کافی و مناسبی را ببرد.

الگوی پارادایمی برآمده از داده‌ها

با توجه به طی نمودن فرایند تحلیل مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر و همچنین کدگذاری یافته‌های حاصل در سه گام کدگذاری باز، محوری و انتخابی، الگوی داده بنیاد وضعیت موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در استان خراسان رضوی، به شرح شکل ۱ می‌باشد.



شکل ۱- الگوی موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرایند استعدادیابی ورزشی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی الگوی موجود برنامه درسی تربیت بدنی و فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در استان خراسان رضوی بوده است. به منظور دستیابی به این هدف، نظریه داده‌بنیاد مورد توجه قرار گرفت. داده‌های حاصل از انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته در مدل اشتروس و کوربین بازنمایی شد. نتایج گویای آن بود که پدیده محوری در الگوی پژوهش، ناسازگاری برنامه درسی تربیت بدنی با تحولات محیطی بوده است که در برگزیده مقولات: فرایند نامطلوب استعدادیابی ورزشی و عدم فرهنگ‌سازی ورزشی می‌باشد. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر بر این باور بوده‌اند که در وضعیت کنونی آموزش و پرورش، فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان به گونه‌ای اثربخش مورد توجه قرار نگرفته است و این مهم در برنامه‌های درسی تربیت بدنی مدارس، چندان پررنگ نبوده است. در وضعیت کنونی برنامه‌های درسی تربیت بدنی، شناسایی استعدادها و ورزشی دانش‌آموزان نمودی نداشته است و این مسأله نشان از آن دارد که تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان این مقوله

را در محور برنامه‌های خود قرار نداده‌اند و اساساً از تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزان، انتظاری بیشتر از فعالیت بدنی سازماندهی نشده، نداشته‌اند. از سویی دیگر در مواردی استثنایی که استعداد ورزشی دانش‌آموزان شناسایی می‌شود؛ فرایند استعدادپروری و نگهداری این استعداد، حداقل در برنامه درسی و کنش‌های رسمی آموزش و پرورش، به درستی طی نمی‌شود و در غالب مواقع استعدادهای شناسایی شده در گذر زمان، خاموش می‌شوند و به ظهور و بروز در عرصه‌های ملی و بین‌المللی نمی‌رسند.

شرایط علی الگوی پژوهش حاضر بر عوامل فرابخشی - برون سازمانی (تداوم توسعه ارتباطات محیطی، تعمیق تعاملات بین نهادی، انسجام سیاست و خط‌مشی‌گذاری، تناسب اعتبارات و استانداردهای سرانه‌ای) و عوامل بخشی - درون سازمانی (فرایندها و روش‌های اداری - اجرایی، تدوین محتوا، اثربخشی و کارایی برنامه‌های توسعه حرفه‌ای) و عوامل فردی (شایستگی‌های برنامه‌ریزان و مجریان، ویژگی‌های شخصیتی برنامه‌ریزان و مجریان) متمرکز بوده است. تحلیل‌های صورت گرفته و کدگذاری

مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌های پژوهش، گویای آن است که برخی از مشارکت‌کنندگان پژوهش اعتقاد داشته‌اند که یکی از مهم‌ترین مقولاتی که می‌تواند بر پدیده محوری الگوی پژوهش مؤثر باشد، عوامل فرابخشی - برون‌سازمانی می‌باشد. بسیاری از مشارکت‌کنندگان گزاره‌هایی را مطرح نموده‌اند که می‌تواند به عنوان عواملی فراتر از حیطه اختیارات سازمان آموزش و پرورش مدنظر قرار گیرد. یکی از مواردی که تأکید بسیاری بر آن صورت گرفته، فقدان توسعه ارتباطات محیطی بوده است. به باور مشارکت‌کنندگان یکی از آسیب‌هایی که در کلیت ساختارهای سازمانی کشور نهاده شده است، عدم توجه به ارتباطات سازنده با عناصر مؤثر بر کارکردهای سازمان می‌باشد. آموزش و پرورش نیز مستثنی از این آسیب نبوده و همین امر بر کیفیت برنامه‌های درسی در راستای استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در استان خراسان رضوی تأثیر منفی بر جای گذاشته است. یکی دیگر از موارد پرشمار در بیانات مشارکت‌کنندگان، عدم تناسب اعتبارات و استانداردهای سرانه‌ای آموزش و پرورش با مأموریت‌ها و کارویژه‌های محوله در راستای استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان می‌باشد. در این رابطه می‌توان اشاره داشت که سال‌هاست آموزش و پرورش با چالش آمایش معلمان خود مواجه است و به جهت نبود برنامه‌ریزی‌های کارآمد، بسیاری از مناطق کشور با کمبود معلمان در برخی از رشته‌ها و در نقطه مقابل، مازاد در برخی دیگر از رشته‌ها شده است. این آسیب در حوزه تربیت‌بدنی و معلمان ورزش نیز کاملاً مشهود بوده است. در بسیاری از مناطق و مدارس درس تربیت‌بدنی فاقد معلم بوده و به گونه‌ای توسط برخی دیگر از معلمان بر عهده گرفته می‌شود. این رخداد بر فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان تأثیر منفی داشته است. یافته‌های پژوهش در این بخش با نتایج پژوهش‌های اکانو و پنی^۱ (۲۰۲۱) در زمینه ارتباطات محیطی و بین‌نهادی و آرتان و همکاران^۲ (۲۰۲۲) در رابطه با تاثیر عوامل فراسازمانی و محیطی بر برنامه درسی تربیت بدنی، قرابت دارد.

شرایط راهبردی الگوی پژوهش در برگرفته سه مقوله کلی نظام‌های ارزیابی - ترفیع شغلی (نظارت و ارزیابی

بهینه، شفافیت مسیر شغلی - حرفه‌ای)؛ وضوح و روشنی اهداف، مأموریت‌ها و چشم‌اندازها (توسعه اهداف سازمانی، آینده‌نگری و پیش‌بینی) و روش‌های یاددهی - یادگیری (تجربه‌محوری، کاربست رویکردهای مشارکتی و اکتشافی) بوده است. در این بخش یکی از اصلی‌ترین مقولاتی که مشارکت‌کنندگان بر آن تأکید ورزیده‌اند؛ مرتبط با نظام‌های ارزیابی و ترفیع شغلی بوده است. به باور مشارکت‌کنندگان مواردی همچون استانداردسازی فرایند ارزیابی و بازخوردمحوری آن می‌تواند وضعیت کنونی برنامه درسی تربیت بدنی در راستای استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در استان خراسان رضوی تأثیر به‌سزایی داشته باشد. در سال‌های اخیر بسیاری از رویکردهای ارزشیابی سنتی کارکنان و معلمان متحول شده‌اند و سعی شده است تا با اتخاذ رویکردهای نوین و کیفی بر روی این فرایند افزوده شود و شرایط در جهت نهادینه شدن خودارزیابی فراهم گردد. نتایج پژوهش در این بخش با یافته‌های پژوهش‌های روزماتوویچ و شاهبازجان (۲۰۲۳) در زمینه اهمیت برنامه‌های ارزیابی و ارتقا و کاپلان (۲۰۲۳) در زمینه روشنی اهداف و مأموریت‌ها، همراستا می‌باشد.

شرایط مداخله‌گر تسهیل‌کننده در الگوی پژوهش حاضر شامل ۲ مقوله اصلی منابع انسانی (تلقی نسبت به منابع انسانی، توسعه روانشناختی منابع انسانی)؛ مطالبات اجتماعی و فرابخشی (گسترش آگاهی عمومی، تأکیدات برنامه‌ای)؛ تغییر سبک زندگی (توسعه ورزش همگانی؛ تحول فرهنگی) می‌باشد. مشارکت‌کنندگان اعتقاد داشته‌اند که هم‌هنگام با تحولات متغیرهای بیرونی و محیطی آموزش و پرورش، نیازها، تمایلات، ضرورت‌ها و الزامات نوینی نیز سر برآورده است. مجموعه این نیازها و ضرورت‌ها، منجر به تغییر سبک زندگی اجتماعی شده است. یکی از مباحثی که در این دوران گذار، اهمیت می‌یابد، بازاندیشی کارکردهای آموزش و پرورش و عناصر آن همچون برنامه درسی می‌باشد. در این راستا می‌توان پذیرفت که تحولات فرهنگی به مانند ترویج و توسعه فرهنگ حمایتی خانواده از ورزش دانش‌آموزی و توسعه گفتمان ورزش و تربیت‌بدنی که در سالیان اخیر نضج یافته، بتواند سهم قابل توجهی در تقویت راهبردهای الگوی کنونی برنامه درسی تربیت بدنی و فرایند

¹ O'Connor & Penney

² Aartun et al

استعدادیابی ورزشی در آن، داشته باشد. یافته‌های پژوهش در این زمینه با نتایج پژوهش‌های ویلیامز و همکاران (۲۰۲۰) و آداماک^۱ (۲۰۲۳) در رابطه با توسعه روانشناختی منابع انسانی و معلمان، قرابت دارد. شرایط مداخله‌گر محدودکننده در الگوی پژوهش حاضر دربرگیرنده دو عامل گسست اکوسیستم آموزش و پرورش (ارتباط با ذی‌نفعان، پیوستگی عناصر استعدادیابی ورزشی) و باور و فلسفه سنتی به آموزش و پرورش (ابهام ماهیتی، آموزش نظری) می‌باشد. به گواه نظرات پرشمار مشارکت‌کنندگان آموزش و پرورش می‌باید در یک بستر منطقی از ارتباطات گسترده افقی و عمودی با سایر نهادها و سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، کارکردهای خود را محقق سازد. به نظر می‌رسد در وضعیت کنونی این ارتباطات عموماً ناسازگار، منقطع و مقطعی بوده و نتوانسته است در تحقق کارویژه‌های مختلف نهاد آموزش و پرورش نقش مؤثری ایفا نماید. مشارکت‌کنندگان بنا بر تجارب عملی ارزشمندی که داشته‌اند این نکته را با بیانات مختلف مدنظر قرار داده‌اند که ناکارآمدی کنونی فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در استان خراسان رضوی برآمده از همین مسأله می‌باشد. همچنین تحلیل مصاحبه‌های انجام شده و کدگذاری مفاهیم مستخرج از آنها، به خوبی این نکته را آشکار نموده است که مشارکت‌کنندگان رویکرد کنونی آموزش و پرورش در ایجاد رقابت‌های غیرسازنده علمی را مانعی در استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان دانسته‌اند. به اذعان آنها، آزمون‌های رقابتی کنونی و بسط آنها به دوره‌های پایین‌تر حتی دوره ابتدایی، سهم قابل توجهی در هدایت برنامه‌های درسی و تحصیلی در راستای موفقیت در دروس نظری داشته است که همین مسأله موجب مغفول ماندن برنامه‌های درسی تربیت بدنی دانش‌آموزان در جهت استعدادیابی ورزشی آنها گردیده است. یافته‌های این بخش پژوهش با نتایج پژوهش‌های قناعت و همکاران (۲۰۲۳) در رابطه با پیوستگی عناصر موثر در استعدادیابی ورزشی و گسترش و تعمیق ارتباطات نهادی و سازمانی، قرابت مفهومی دارد. شرایط زمینه‌ای الگوی موجود برنامه درسی تربیت بدنی در راستای استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان در استان

خراسان رضوی، شامل دو مقوله کلی عوامل فرهنگی-اجتماعی (مدیریت و رهبری، یادگیری سازمانی) بسترهای قانونی-حقوقی (همسویی راهبردی قوانین، حمایت از سرمایه‌گذاری ورزشی) می‌شود. مدیریت و رهبری یکی از عوامل مهم در موفقیت یا شکست برنامه‌ها و طرح‌های سازمانی تلقی می‌شود. به باور مشارکت‌کنندگان که بارها در اثنای مصاحبه‌ها با بیانات مختلف به آن اشاره نموده‌اند، بسیاری از برنامه‌های استعدادیابی ورزشی در آموزش و پرورش در عین حال که حمایت سیاستی بخشی و فرابخشی را به دنبال خود دارد؛ اما به این دلیل که مدیران مجموعه التزام عملی به پیگیری فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان نداشته‌اند و در نتیجه تلاش‌های موجود نتوانسته موجب اثربخشی بیشتر این فرایند شود.

با توجه به بیانات و نظرات مشارکت‌کنندگان، پیامدهای کاربست راهبردهای الگوی موجود برنامه درسی تربیت‌بدنی در راستای استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان استان خراسان رضوی، در سه بخش پیامدهای ملی (کاهش توانمندی ملی در عرصه رقابت‌های جهانی؛ هدررفت استعدادهای ملی؛ عملکرد نامطلوب چرخه استعدادیابی) پیامدهای سازمانی (تضعیف جایگاه اجتماعی آموزش و پرورش؛ ناتوانی در پاسخ‌گویی عمومی؛ مغفول ماندن مأموریت‌های سازمانی) و پیامدهای فردی (کاهش رشد حرفه‌ای؛ عدم توسعه شایستگی‌های شغلی؛ عملکرد فردی - جزیره‌ای) مدنظر قرار گیرد.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر در بخش‌های مختلف، می‌توان پیشنهادات کاربردی زیر را در راستای ارتقا و بهبود برنامه‌های درسی تربیت بدنی در راستای فرایند استعدادیابی کارآمدتر ورزشی دانش‌آموزان مطرح نمود:

❖ شناسایی عناصر کنونی در فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان و تسهیل ارتباطات رسمی و غیررسمی بین اکوسیستم استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزی؛

❖ پایش مداوم استعدادهای شناسایی شده به منظور استعدادپروری و استعدادداری (نگهداشت استعداد)؛

❖ تدارک پروفایل‌های استعدادی دانش‌آموزان و مستند ساختن رویدادها و شاخص‌های مهم

¹ Adamčák

- Kaplan, S. N. (2023). The grid: A model to construct differentiated curriculum for the gifted. In *Systems and models for developing programs for the gifted and talented* (pp. 235-251). Routledge.
- Loghman Keshavarz, A., Farahani, A., Zarei Beidsorkhi, S. (2021). Providing a Model and Developing Talent Indicators in Basketball Field Based on Psychological Parameters, *Journal of Organizational Behavioral Management in Sport Studies*, 8(2), 57-62. magiran.com/p2365446. (in Persian)
- Méndez, I., & Ruiz-Esteban, C. (2020). Actividad física, consumo de drogas y conductas riesgo en adolescentes. *JUMP*, (1), 45-51.
- Mortezaeian, M., mirzazadeh, Z. S., kashtidar, M., & Talebpour, M. (2023). Providing and validation of the strategic model of students' sports talent management. *Research on Educational Sport*, 11(33), 79-106. (in Persian)
- O'Connor, J., & Penney, D. (2021). Informal sport and curriculum futures: An investigation of the knowledge, skills and understandings for participation and the possibilities for physical education. *European Physical Education Review*, 27(1), 3-26.
- Rabiei Farsijani, Pouria (2021). Analyzing the concept of curriculum. *Quarterly Journal of New Advances in Educational Management*, Year 1, Issue 4, pp. 17-42.. (in Persian)
- Rossouw, N., & Frick, L. (2023). A conceptual framework for uncovering the hidden curriculum in private higher education. *Cogent Education*, 10(1), 2191409.
- Ruzmatovich, U. S., & Shohbozjon G'ayratjon o'g, Q. (2023). Uzbekistan's General Education School Physical Education Programme: A Curriculum Analysis. *Best Journal of Innovation in Science, Research and Development*, 2(5), 184-193.
- Tomlinson, C. A. (2023). The parallel curriculum model: A design to develop potential & challenge high-ability learners. In *Systems and models for developing programs for the gifted and talented* (pp. 571-598). Routledge.
- Williams, A. M., Ford, P. R., & Drust, B. (2020). Talent identification and development in soccer since the millennium. *Journal of sports sciences*, 38(11-12), 1199-1210. DOI:[10.1080/02640414.2020.1766647](https://doi.org/10.1080/02640414.2020.1766647)
- دانش‌آموزان در طی دوران تحصیل در آموزش و پرورش.
- ❖ تدوین و بازتعریف الگوی شایستگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی با لحاظ نمودن میزان نقش‌آفرینی در فرایند استعدادیابی ورزشی دانش‌آموزان.
- پژوهش حاضر با مشارکت صمیمانه کارشناسان، مدیران معلمان تربیت‌بدنی مدارس استان خراسان رضوی انجام شده است. بدین‌وسیله از تمامی عزیزانی که در مراحل مختلف گردآوری داده‌ها، تحلیل و نگارش این مقاله همکاری داشته‌اند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

منابع

- Aartun, I., Walseth, K., Standal, Ø. F., & Kirk, D. (2022). Pedagogies of embodiment in physical education—a literature review. *Sport, Education and Society*, 27(1), 1-13. DOI: [10.1080/13573322.2020.1800419](https://doi.org/10.1080/13573322.2020.1800419)
- Adamčák, S., Marko, M., & Bartík, P. (2023). Teachers' preferences of teaching primary physical education: curriculum preferences. *Pedagogy of Physical Culture and Sports*, 27(1), 63-70.
- Bokander, L., & Bylund, E. (2020). Probing the internal validity of the LLAMA language aptitude tests. *Language learning*, 70(1), 11-47. DOI: [10.1111/lang.12368](https://doi.org/10.1111/lang.12368)
- Ghenaat, M., Talebpour, M., Heydari, R., & Gol goli, M. (2023). Identifying the factors affecting the development of physical education and student sports (Case Study: Khorasan Razavi Province). *Research on Educational Sport*, 10(29), 155-184. doi:10.22089/res.2022.12029.2219. (in Persian)
- Hayoz, C., Klostermann, C., Schlesinger, T., & Nagel, S. (2018). Orientation patterns of sports and physical activity among young people in Switzerland. *European Journal for Sport and Society*, 15(1), 43-57.
- Herrera Comoglio, R. (2020). Undergraduate and postgraduate pharmacovigilance education: A proposal for appropriate curriculum content. *British journal of clinical pharmacology*, 86(4), 779-790.